

مگ

گفت و گو

حجت‌الاسلام دکتر پارسا در دانشگاه علوم اسلامی رضوی:

تمدن اسلامی، یک تمدن علمی است



۱۱

ادب و هنر

برای درگذشت تقی خاوری
شاعر و پژوهشگر برجسته خراسانی

شاعر هزاره‌ها

ورزش

نایب قهرمانی ایران در وزنه برداری قاره کهن

علی داوودی قوی‌ترین وزنه بردار آسیا شد

در پایان چهل و هشتمین دوره مسابقات وزنه برداری قهرمانی ۲۰۱۹ آسیا و یکی از مراحل گزینشی المپیک ۲۰۲۰ توکیو، تیم ملی وزنه برداری مردان ایران بعد از چین نایب قهرمان شد و تیم ملی وزنه برداری بانوان نیز در اولین حضور خود مقام نهم آسیا را کسب کرد. وزنه برداران ایرانی با کسب ۷ مدال طلا...



۱۵

سیما و سپینا

گفت‌وگوی قدس با کارگردان مستند «اسرار دریاچه»

سفر به افسانه‌های دریاچه تخت سلیمان

خواندنی‌ها

مثلاً درم موزم وضو بگیرم!

به در خانه اخوان ثالث که رسیدیم، ای‌تالله خامنه‌ای کمی آن‌طرف‌تر ایستادند و من رفتم رنگ را زدم. اخوان خودش آمد و در را باز کرد. اخوان داخل و من بیرون، زیر چارچوب در با هم دست دادیم و سلام‌علیکی کردیم و بعد اخوان مرا به داخل دعوت کرد که آرام به او گفتیم: با سیدعلی آقای خامنه‌ای آمدم. اخوان به سرعت بیرون رفت تا به ایشان خوشامد بگوید و همین‌طور که به سمت ایشان می‌رفت، برای اینکه مطالبه‌ای هم کرده باشد، با لجه مشهدی به من گفت: «بره چی خبر نکریدی با سیدعلی می‌بی که مو اقلاً وقتی میام دمدر، استینامه بزتم بالا که مثلاً درم موزم وضو بگیرم!»

گوشه‌های از کتاب ماه در آیین نوشته رضا مصطفوی

عکس‌گرام

دو هیچ جلوه‌ها!



سید مصطفی موسوی طلبه، گرافست و از فعالان فضای مجازی در پستی که در اینستاگرامش به اشتراک گذاشت، نوشت: آدم‌هایی که بقیه رو درک میکنند و حواسشون به بقیه هم هست، دو هیچ جلوتر از آدم‌هایی هستن که به جز خودشون احدی رو تو این دنیا نمی‌بینن! اونا که فرقی بین مال خودشون و اموال بقیه نمی‌بینن، اگر آیین ماشینی کنار خیابون پرفت و آمد می‌بینن به سمت داخل ماشین میچرخونن، اونا که اگه پول کسی زمین میفته بهش میگن، اونا که درک میکنند این روزا جور کردن مدارک گم‌شده چه قدر سخته و اگه کیف مدارک رو زمین می‌بینن برش میدارن تا به جوری به صاحبش برسونن! اونا که موقع رد شدن از گیت BRT دور و بر رو می‌بینن که اگه کسی بلیت نداشت به جای اون هم بزیّن تا لنگ نمونه! اونا که آنقد مرام دارن که به راننده تاکسی‌ها پول خورد بدن تا ناراحتشون نکنن! اونا که اگه می‌بینن یکی ۱۰ نفر عقب‌تر از خودشون تو صف کارهای بانکیه و عجله داره، نوبتشون رو جا به جا کنن!

اونا که آشنغالی جایی می‌بینن برمیدارن که کمر رفتگر اونجا به بار کمتر خم بشه، اینا که اگه می‌بینن موتور و ماشینی کنار خیابونه، حتی اگه وارد نیستن و نمی‌تونن هم، مبرین کنارش و ازش میبرسن کمک میخواند یا نه؟ که احساس نکنه هیچ کس به فکرش نیست! اونا که تو صف نوبتایی سنگک وقتی شلوغه ۱۰ تا نون سفارش نمیدن! اونا که میفهمن به زن باید صندلی جلوی تاکسی بشینه تا راحت‌تر باشه، که اگه عقب هم نشست مثل خواهر و مادرشونه و خودشون جمع کنن، اونا که میدونن مادرشون از صبح تو خونه کلی کار کرده و خسته‌ست، بعد از خوردن غذا تو جمع کردن سفره کمک کنن! اونا که میگن پارک نکنید جلو خونه‌مون پدرصواتی‌ها، ولی بعدش مت این بابابزرگای مهربون میگن حالا اگه ازینکارا کردی شمارت هم بنار رنگ بزیم بیای برداری خوب، و حتی اونایی که به کوچولو غرور دارن و روشن نمیشه کمک بخوان، ولی کمک نیاز دارن... آخه اتمه ما گفتن اون که برای خودت میخوای برای بقیه بخوای! انتظار کمک و تشکر کردن هم نداشته باشن! یعنی اگه همه اینکارو هم می‌کنی همچین نه دلت قنچ نره که حالا خبریه. حالا توی همه جملات بالا، خودمون رو بناریم جای طرف مقابل که نیاز به کمک داره، باز به نغز تو در میشیم؟

گفت‌وگو با «رضالردلان»، ایده پرداز نخستین «روسی نت» ایران
که در روزهای بحران به فکر سرگرمی بچه‌های سیل زده بود

ماشین بازی در سیل

دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۸
۳۳ شهریور ۱۳۴۰
۱۴۴۰ سال سی و دوم
شماره ۲۰
ZENIRG@OUTSIDERLINE.IR
A ۸۵۲۰



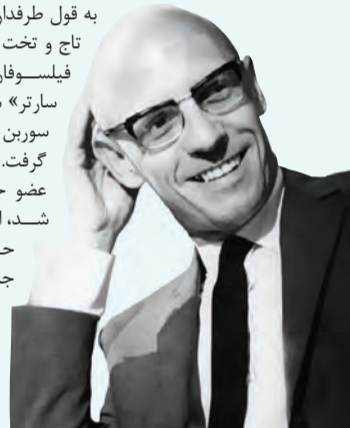
۱۰

ایستگاه

نگاهی به زندگی و اندیشه‌های «میشل فوکو»

وارث تاج و تخت «سارتر»

شهرتش را در جهان مدیون افکار، اندیشه‌ها و شخصیت خیلی خاصی است. در ایران اما «میشل فوکو» بیشتر به خاطر سفری که در گرماگرم انقلاب اسلامی به کشورمان می‌کند و همچنین نقد و نظرهایش درباره انقلاب، معروف است. البته بهانه ما برای نوشتن از اندیشمند و فیلسوف فرانسوی هیچ کدام از این دو مورد نیست! این بار برگزاری نمایشگاه کتاب تهران سبب شد تا پس از مدت‌ها، نام «فوکو» در فضای رسانه‌ای، سر زبان‌ها بیفتد. یک ناشر اعلام کرد، کتاب «فوکو در ایران» با همه اما و اگرها سرانجام منتشر شد و خودش را به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رساند. این را هم بگوییم که نه «گزارش از شخص»، نه بضاعت علمی و فلسفی ما و نه حوصله روزنامه‌خوان‌ها، هیچ‌کدام به اندازه‌ای نیستند که بشود در این صفحه به نقد و بررسی افکار و اندیشه‌های «فوکو» پرداخت. به جز این‌ها گستره اندیشه‌ها و نوشته‌های «فوکو» و تنوع موضوعات و زمینه‌هایی که او به آن‌ها پرداخته، آن قدر زیاد است که آدم می‌ماند با یک فیلسوف طرف است یا تاریخدان؟ یک جامعه‌شناس یا یک نظریه‌پرداز؟ خانم «آن مالاپار» و جراح معروف و پولدار فرانسوی «پل فوکو» در سال ۱۹۲۶ صاحب پسری شدند که بعدها به جای اینکه وارث شغل و ثروت پدری‌اش بشود به قول طرفداران و علاقه‌مندان، وارث تاج و تخت فلسفی و فکری پادشاه فیلسوفان معاصر یعنی «ژان پل سارتر» شد! «فوکو» در دانشگاه سوربن فلسفه خواند و لیسانس گرفت. بعد برای مدت کوتاهی عضو حزب کمونیست فرانسه شد، اما دو سه سال بعد از آن حزب کنار کشید و به جایش روان‌شناسی خواند و در زمینه آسیب‌شناسی روانی تحقیق و مطالعه کرد و مدرک گرفت. چند سال در ...



مجاز آباد

گزارش رامبد جوان از مناطق سیل زده



رامبد جوان مجری و تهیه‌کننده برنامه خندوانه چند روز پیش به همراه تیم کاری و هنری خود به سیل زده‌های سفر کرد تا از وضعیت هموطنان سیل‌زده آنجا گزارش تهیه کند. رامبد جوان با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش نوشت: «ما نیروی امداد نیستیم و آموزش هم ندادیم، ولی تخصص خودمون رو بلدییم. پس وظیفه ما

الان شروع می‌شه که خیلی‌ها فکر می‌کنن سیل فروکش کرده و همه چی خوب شده. ما عاقلمون می‌رسه که موقع بحران تو دست و پای متخصصین امر نباشیم. ما مردم همچنان کمک‌هامون رو ادامه می‌دیم و این عالیه و حتماً هم باید ادامه پیدا کنه... ولی از اینا مهم‌تر باید عشق و توجه و مهربونی و امید رو بهشون هدیه بدیم. امیدوارم به جای غر زدن همیشگی (بعضی از مردم) و شعار دادن همیشگی (مسئولان) به به فکر عملی و واقعی برسیم. دم همه بخش‌های هلال‌احمر گرم که تمام مدت مشغولن.»

تکذیب بزرگ‌ترین افشای اطلاعات ایران



روز گذشته خبری مبنی بر هک شدن منبع کد و دیتابیس اطلاعات ۴۰ میلیون کاربر کافه‌باز منتشر شد. به این صورت که یک کاربر در توئیتر با انتشار چند اسکرین‌شات مدعی شد که کافه‌باز هک شده است. بلافاصله رسانه‌ها اعلام کردند اگر افشای اطلاعات کاربران کافه‌باز صحت داشته باشد، می‌توان از این اتفاق به عنوان بزرگ‌ترین افشای اطلاعات ایران نام برد. کافه‌باز اما در بیانیه‌ای درز اطلاعات کاربران را تکذیب کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «سنترسی تنها به بخشی از زیرسیستم وب‌سایت کافه‌باز صورت گرفته که تأثیر در امنیت اپلیکیشن بازار و تلفن همراه کاربران ندارد.»

از اول هم داخل برجام نبودیم!



وحید یامین پور با انتشار تصویری گرافیکی از خودش و پیمپو به زبان طنز در اینستاگرام نوشت: «قای پیمپو چرا از برجام خارج نشدیدی؟ پاسخ پیمپو: ما؟ ما اصلاً از اولش هم داخل برجام نبودیم. اینکه ما خارج شدیم تهمت کیفیه که شما تندروهای بی‌شناسانه از جای خاص تغذیه شونده به ما زدید!»

نامدارترین خلبان جهان



فرهاد عظیمیا، کارگردان انیمیشن نبرد خلیج فارس با انتشار تصویری از شهید شبرودی در اینستاگرامش نوشت: «صاحب‌ظنران جنگ‌های هوایی او را نامدارترین خلبان جهان نامیدند، چنان‌که شهید سرلشکر فلاحی، رئیس ستاد مشترک ارتش، او را ناجی منطقه غرب ایران و فاتح گردنه‌ها و ارتفاعات آریه بازی دراز، میمک، دشت ذهاب و یادگان ایوذر توصیف کرد و گفت: او غیرممکن‌ها را ممکن ساخت. کسی بود که وقتی خیر شهادتش را به امام(ره) دادم امام در مورد او فرمود: او آمرزیده است.»



هشتگ قتل #طلبه_همدانی در توئیتر فارسی ترند شد

لات‌ها «مجازی» شده‌اند

یک طلبه را در خیابان شهدای همدان به قتل رساندم! طبق قوانین شبکه‌های اجتماعی، اینستاگرام موظف بوده صفحه حاجیلو را به دلیل ترویج خشونت از دسترس خارج کند. کاربری در این باره نوشته است: «هی دونید اگر این استوری تو صفحه به آمریکایی منتشر شده بود و محل جرم آمریکا بود چه اتفاقی رخ می‌داد؟ صفحه متهم در کسری از ثانیه بسته می‌شد. طرف در طرف چند دقیقه شناسایی می‌شد و اینستاگرام هم به دلیل عدم اطلاع‌رسانی به دولت آمریکا برای پیشگیری از این جنایت، ملزم به پرداخت جریمه می‌شد.»

همیشه پای یک سلب‌رینی در میان است

دو روز پس از وقوع جنایت هولناک در همدان، صفحه اینستاگرام حاجیلو همچنان فعال است و مخاطب جذب می‌کند. شاید باورناتوان نشود اما برخی از جریان‌های مجازی بهروز حاجیلو را تبدیل به قهرمان مردمی کرده‌اند و در صفحه اینستاگرام او هشتگ‌پرانی می‌کنند. نشان به آن نشان که مخاطبان صفحه اینستاگرام حاجیلو تا پیش از وقوع جنایت کمتر ۴۰ هزار نفر بوده، اما اکنون دنبال کنندگانش از ۸۰ هزار نفر هم گذشته است!

آن طور که دوستان بهروز حاجیلو و برخی از جریان‌های مجازی می‌گویند ماجرای تعریف و تمجید از یک قاتل برمی‌گردد به پست مهناز افشار در توئیتر که در آن بنو ورود نیروهای داوطلب حشدالشعبی به خاک کشورمان برای کمک‌رسانی به سیل‌زده‌ها، شروع به شایعه‌سازی درباره نیروهای حشدالشعبی کرده بود، چند روز پیش، پست توئیتری صفحه جعلی منتسب به طلبه‌ای به نام مصطفی حاجزی را در صفحه توئیترش باز نشر کرد. در متن این پست آمده بود: «همه خواهران مجاهد درخواست می‌کنم در حد توان به سیغه برادران حشدالشعبی در بیابند!» اگر چه طلبه‌ای که صفحه توئیتر جعلی با تصویر او ساخته شده بود، با انتشار فیلمی در شبکه‌های مجازی اعلام کرد که این صفحه جعلی است و برای تخریب چهره روحانیت و تفرقه‌افکنی میان مردم ایران و عراق ساخته شده است، اما پست مهناز افشار بلافاصله سوزده فضای مجازی و شبکه‌های آن طرف آبی شد. حالا طبق

اکیان رادا شاید خیلی‌ها می‌توانند متوجه نشدیم چه زمانی نسل لات‌های قدیم ورفاتاد و لات‌های جدید، به جای سرگرد، اینستاگرام را فرقی کردند. خیلی‌ها می‌توانند متوجه نشدیم چه زمانی عربده‌کشی‌ها، شاخ و شانه‌کشی‌ها، خط‌ونشان کشیدن‌ها و به دنبال آن مرام و مسلک لات‌ها، مثل زندگی خیلی‌ها می‌تواند مجازی شد. نفهمیدیم چه شد که لات‌های مجازی اینستاگرام را اشباع کردند. نفهمیدیم چه شد که لات‌ها هم مثل اهالی فضای مجازی به سندرمد «دیده شدن» دچار شدند. هر چه که بود لات‌ها مجازی شدند و افتادند به ورطه فالور جمع کردن. به طبع آن از جنایت‌هایشان فیلم گرفتند و آزادانه در فضای منتشر کردند. رقابت دیده شدن

در میان لات‌های مجازی بالا گرفته بود، رقابت مهمی بود و قلدرترها باید پیروز می‌شدند. بعضی‌ها ایشان اسلحه به دست گرفتند برای کم کردن روی هم قمارهایشان. فضای مجازی لات‌ها را هم مثل خیلی‌های دیگر جوگیر بار آورد تا اینکه یک روز تحت تأثیر جو فضای مجازی، کلاشیکف دست بگیرند و یک طلبه ۴۵ ساله را در خیابان‌های همدان به گلوله بیندند تا شاید چند نفر برایشان در دنیای کوچک مجازی هورا بکشند.

گزارش قتل در اینستاگرام

خبر شهادت طلبه همدانی مثل بمب در فضای مجازی منفجر شد و طولی نکشید که کاربران فضای مجازی صفحه قاتل را در اینستاگرام پیدا کردند. «بهروز حاجیلو»، یکی از اوپاش بنام مجازی که اگر دنباله‌اش را بگیرد می‌رسد به «وحید مرادی» و دار و دسته‌اش که در این سال‌ها به لطف اینستاگرام، نامی برای خودشان دست و پا کرده‌اند، جامعه اینستاگرام حاجیلو پر است از تصاویر و فیلم‌هایی که نشان می‌دهد قاتل طلبه همدانی، انواع و اقسام سلاح‌های سرد و گرم را در اختیار داشته است. حاجیلو ۲۴ ساعت پیش از وقوع جرم، در استوری اینستاگرامش تصاویر تیراندازی با کلاشینکف و چند اسلحه دیگر را منتشر کرده و جامعه روحانیت را تهدید کرده بود. حاجیلو حتی بعد از تیراندازی به سمت طلبه همدانی هم همچنان در اینستاگرام فعال بود! قاتل طلبه روحانی پس از قتل در اینستاگرامش نوشته بود:

پیشنهادسفر

روایتی درباره روستای متفاوت کندوان در شمال غرب ایران
تماشای تاریخ زنده



مقصد امروز ما روستای تاریخی و صخره‌ای کندوان است؛ جایی که سنین وصف معماری و سبک زندگی مردمان آن پای هر گردشگری را سست کرده و او را به گردشی متفاوت و دیدنی دعوت می‌کند. گوشه‌های از سرزمینمان که مردم آن در خانه‌هایی سنگی و دستکند، بدون تجمعات و زرق و برق‌های امروزی زندگی می‌کنند.

کندوان از معدود روستاهای صخره‌ای جهان است که زندگی در آن به شکلی سنتی جریان دارد. فضا و حال و هوای خاص روستای کندوان که مردم از صفر تا صد زندگی خود را در صخره‌های کنده شده در دل کوه می‌گذرانند، موجب جذابیت فوق‌العاده آن شده است. روستای کندوان در دامنه کوه سلطان دافی، از کوه‌های رشته کوه سهند، جا خوش کرده و روزگار می‌گذرانند. این روستای صخره‌ای در گذر زمان و به دلیل گدازه‌ها و مواد مذاب ناشی از فعل و انفعالات آتشفشانی کوه‌های سهند، باران و برف و صد البته دخالت دست انسان به حالت امروزی خود درآمده است.

دینی‌های کندوان

۱- گشت و گذار در کوه‌های متفاوت

گشت و گذار و پیاده‌روی در کندوان به سبب بافت خاص معماری سنگی و صخره‌ای آن تجربه‌ای فراموش‌نشدنی است. قدم زدن بر پله‌های سنگی و دستکند که سال‌ها به همان شکل باقی مانده، همکلام شدن با روستاییان و محلی‌ها و دعوت شدن به یکی از خانه‌های سنگی برای استراحت و نوشیدن چای، خرید سوغاتی و صنایع دستی سنتی و همگام شدن با سبک زندگی ویژه مردم کندوان لذتی است که می‌تواند خاطره زندگی روستایی را برایتان به یادگار بگذارد.

۲- موزه مردم شناسی کندوان

چنانچه دوست دارید باشید بیشتر با نوع زندگی مردم کندوان آشنا شوید و از دسترنج و ساخته‌های محلی‌های روستا خرید کنید، موزه مردم‌شناسی که به شکل خصوصی اداره می‌شود این امکان را در اختیار شما قرار می‌دهد.

۳- مسجدهای روستای کندوان

در میان این صخره‌های زیبا و دلنریب، دو مسجد نیز قرار دارد: **مسجد بزرگ**؛ مسجد بزرگ کندوان در چهار طبقه کنده شده است. طبقه اول آغل، طبقه دوم فضای اصلی مسجد، طبقه سوم مسکونی و طبقه چهارم محل انبار است. مسجد دو قسمت زنانه و مردانه دارد و برای جلوگیری از ریزش سقف، ستونی را در میانه قسمت مردانه قرار داده‌اند. نور نیز از پنجره کوچک جنوبی، داخل مسجد را روشن می‌کند. دیوارهای مسجد پوششی از گچ سفید دارند و دورتادور آن با شمع و چراغ چای و مهر تزئین شده است. بر روی طاقچه‌ها و رفها نیز مکانی برای قرار دادن وجود دارد.

مسجد کوچک؛ این مسجد هم در نزدیکی حمام صخره‌ای واقع شده و به مانند مسجد بزرگ ستونی سنگی سقف آن را نگه داشته است. متأسفانه این مسجد و حمام کناری آن این روزها متروکه مانده‌اند. از مسجد کوچک پیش‌تر برای ادای نماز صبح استفاده می‌شد. این مسجد، تنها یک طبقه دارد، اما با این وجود نورگیر است و دیوارهای آن نیز سفید کاری شده است.

۴- پیک نیک

درون بافت روستایی کندوان نمی‌توانید اقدام به کمپینگ کنید و برای این کار باید به پارکی که در جبهه روبرویی روستا ساخته شده است، یا دامنه‌های کوه‌ها و تپه‌های اطراف آن مراجعه کنید. هر چند کمپینگ در پاییز و زمستان در این منطقه پیشنهاد نمی‌شود؛ اما چنانچه در این کار حرفه‌ای هستید، سهند و وسعت بیکران آن از بهترین مکان‌ها برای این کار است.

۵- آب معدنی کندوان

چشمه آب معدنی کندوان، از جمله مشهورترین و بهترین آب معدنی‌های ایران است و به دلیل خاصیت‌های درمانی‌اش بسیار معروف شده است. چشمه آب معدنی در دامنه کوه و در کنار دره سرسبز روستا در فاصله ۲۷ متری آن واقع شده و به وسیله چند شیر آب در دسترس عموم است. نوع آب این چشمه معدنی برای بیماری‌های کلیوی توصیه شده است. جلب آنکه آب این چشمه در شهر تبریز به فروش می‌رسد.

اقامت در روستای کندوان



اقامت در روستای کندوان به دلیل وجود دو هتل پنج ستاره و بسیار زیبا همراه با امکانات درجه یک که به مانند خانه‌های روستا در دل سنگ‌ها ساخته شده‌اند تجربه‌ای بی‌نظیر و تکرار نشدنی در اختیارتان قرار می‌دهد. البته چنانچه دوست داشته باشید، زندگی در میان صخره‌ها را به مانند محلی‌ها تجربه کنید و تجربه‌ای دست اول از این نظر داشته باشید. می‌توانید با پرداخت مبلغی به افراد محلی برای یک شب، اتاقی اجاره کنید و مشکل تازمای از اقامت را برای خود رقم بزنید. در کنار این‌ها اگر در فصل‌های بهار و تابستان به این منطقه خوش آب و هوا سفر کرده باشید، می‌توانید از امکان کمپینگ نیز استفاده کرده و هوای پاک کوهمستان را میهمان چادرهای خود کنید.



گفت‌وگو با «رضا اردلان»، ایده پرداز نخستین «ریس نت» ایران که در روزهای بحران به فکر سرگرمی بچه‌های سیل زده بود

ماشین بازی در سیل

مردم/ آرمان اورنگ آب که به سمت اقلان و روستاهای اطرافش هجوم آورد، هر کسی با هر توانی که داشت، تلاش کرد تا گرهی هر چند کوچک از کار و بار و زندگی اهالی آن باز کند. یکی خودش را رساند آنجا تا بی‌دست بگیرد، یکی پتو و مواد خوراکی فرستاد، یکی تراکتورش را برد و... «رضا اردلان» اما، پیش خودش فکر کرد در این شرایط کسی به فکر بازی بچه‌ها نیست. پس بهتر این است که «ریس موبیل»‌اش را برساند آنجا و لابه‌لای شلوغی‌های روزهای گرفتاری، کمک کند تا

بچه‌ها حال بهتری داشته باشند. رضا اردلان، ایده پرداز نخستین «ریس نت» ایران است؛ ایده پرداز مرکزی که شاید در نگاه اول جایی برای بازی به نظر برسد، درست مثل گیمن‌ت، اما در واقع جایی است برای یاد گرفتن حرفه‌ای‌تر رانندگی. آن هم با کمک تکنولوژی شبیه سازها که حالا همه دنیا را گرفته‌اند. روایت امروز «صفحه مردم» روایت رضا اردلان است، از روزی که نخستین «ریس نت» ایران را راه انداخت تا حالا که یک باشگاه حرفه‌ای در زمینه آموزش رانندگی دارد.

رضا اردلان را به عنوان ایده پرداز «ریس نت» می‌شناسند. اگر موافقت اصلاً برویم سراغ همان شروع ماجرا، البته قبل ترش بگویید این ریس نت یعنی چه؟ شروع ماجرا از سال ۸۸ بود و زمانی که چنین مرکزی برای نخستین بار در ایران در شهرستان قاین افتتاح شد. من آن زمان اسم این مرکز را گذاشتم «ریس نت». راستش را بخواهید این اسم را هم از «گیمن نت» گرفتم. به جای «گیمن» هم کلمه «ریس» را استفاده کردم که کلمه‌ای در حوزه مسابقات اتومبیلرانی است. «ریس نت» محیطی شبیه گیمن نت دارد، با این اختلاف که دستگاه‌هایی که داخلش هست، کنسول‌های رانندگی حرفه‌ای است. یعنی یک فرمان دارد با ۹۰۰ درجه قابلیت چرخش، پدال، دنده و خلاصه همه چیزهایی که در ماشین واقعی هست. نرم‌افزارهای شبیه سازی هم در این مراکز هستند که بر خلاف تصور عموم، بازی نیستند و در حوزه آموزش رانندگی کاربرد دارند. خوب من آن زمان چنین مرکزی را در قاین راه انداختم. یعنی تجهیزاتی را تهیه کردم و شناسی و صندلی‌ها



انگلستان اجباری است و متقاضی گواهینامه یا ورزش حرفه‌ای باید حتماً دوره‌های شبیه‌ساز را بگذراند.

ایده «ریس موبیل» هم بعد از «ریس نت» شکل گرفت؟

بله، از یک سال پیش تلاشمان این بود که «ریس نت» را به صورت سیار راه بیندازیم. یعنی بتوانیم توی دانشگاه‌ها، مدارس، پارک‌ها و جاهایی که مردم جمع‌اند، ماشین ریس نت را ببریم. ما همین ایده «ریس موبیل» راه افتاد. با این کار هم هدف اقتصادی داشتیم و هم نگاهمان این بود که بتوانیم یک سری آموزش‌هایی به بچه‌ها بدهیم، یا بتوانیم قراردادی با آموزش و پرورش ببندیم. البته اول قرار بود یک اتوبوس را برای این کار آماده کنیم، ولی به خاطر هزینه‌های کار، گفتیم اول با یک ون شروع کنیم و اگر پروژه موفق بود، توسعه‌اش ردهیم با تعداد دستگاه‌های بیشتر و برنامه‌های متنوع‌تر.

همین ون هم البته احتمالاً هزینه بالایی داشته.

بله. خود ماشین به اضافه تجهیزات، تقریباً ۱۳۰ میلیون تومان برای ما درآمد. تقریباً مراد سسال پیش هم بود که «ریس موبیل» راه افتاد تا اوایل امسال هم رویدادهای مختلفی داشتیم و به نظر پروژه موفق بوده.



تلاش کردیم از شبیه‌سازها برای آموزش‌های ترافیکی به نوجوان‌ها استفاده کنیم

راننده حرفه‌ای اهل ویراژ نیست

کلی از میزان و حوزه ترسی که این افراد دارند، با شبیه‌ساز به کمکشان می‌رویم. واقعاً هم از این تعداد شاید تا الان حدود ۷۰، ۸۰ درصدشان رانندگی را شروع کرده‌اند حتی خانی بود که می‌گفت بعد از یک تصادف، ماشین را گذاشته توی پارکینگ و با رانندگی خداحافظی کرده، ولی بعد از هفت جلسه دوباره ماشین را برداشت. حالا هم گاهی اوقات توی پیست می‌بینشان. این به چه خاطر است؟ به خاطر اینکه در این شیوه آموزش، عنصر ترس حذف می‌شود. مثلاً فرض کنید ما افرادی را داریم که کاربرد کلاج برایشان مبهم است یا مثلاً دنده را که عوض می‌کنند، باید حتماً ببینند که دنده واقعاً الان روی کدام ششماره است. این در حالی که در رانندگی واقعی امکان آزمون و خطا ممکن است خیلی گران تمام شود، در حالی که در شبیه‌ساز این امکان هست. یا مثلاً خیلی آموزش‌ها در شبیه‌ساز ساده‌تر است. مثلاً نیم کلاچ کردن را باید چقدر بسا افراد کار کنید تا بفهمند که شیب ۳۰ درجه باید چطور حرکت کنند؟ الان توی رمپ‌های پارکینگ‌های طبقاتی خیلی‌ها همین مشکل را دارند، ولی ما با شبیه ساز خیلی راحت نیم کلاچ را آموزش می‌دهیم.

یعنی کار شما خیلی فراتر از سرگرمی رانندگی است.

پس حتماً لازم است خودتان هم در حوزه رانندگی حرفه‌ای تجربه داشته باشید.

بله. موضوع کار ما کاملاً حرفه‌ای است. حتی بچه‌های پیست ثامن مشهد جزو مشتری‌های ثابت ما هستند. از زمانی هم که جای ما با هم مسابقه می‌دهند، واقعاً تمرینات ذهنی‌شان فرق کرده. تلاش ما هم این است که نشان بدهیم که رانندگی حرفه‌ای یک علم است. جالب اینکه این شیوه شبیه سازی حتی سبک رانندگی خود من را هم خیلی تغییر داده. مثلاً من این قدر که با شبیه سازها کار کرده‌ام، همیشه فرمان را دو دستی می‌گیرم. چون توی شبیه ساز باید حتماً فرمان را با دو دست مسلط بگیرید. خوب همین ماجرا ما را از یک حادثه خیلی خطرناک نجات داد. حتی یادم هست یک بار که با یکی از عنوان دارهای مشهد توی شبیه‌ساز بازی می‌کردیم، می‌دیدیم که این‌ها مرتب از پشت، ماشین جلویی را با سپر شارژ می‌کنند. حالا ولی همان‌ها از طریق همین شبیه ساز، شیوه‌های کارشان را اصلاح کرده‌اند. علاوه بر این ما حتی این را احساس کرده‌ایم باید مسابقات حرفه‌ای دنیا را دنبال کنیم. برای همین برنامه‌های ریختنیم که همه مسابقات مهم جهانی را با بچه‌ها دور هم می‌بینیم. جالب هم این است که با وجود اینکه این مسابقات در ایران خیلی جا نیفتاده، ولی آدم‌های مطلع زیادی در بین جوان‌ها هستند.

مشتری‌ها چطور؟ همگی حرفه‌ای‌اند؟

نه، از نوجوان‌های دانش‌آموز بین مشتری‌های ما هستند تا راننده‌های حرفه‌ای. البته ۲۰۰ تا مشتری ویژه داریم که لیگ و مسابقات بینشان برگزار می‌شود، ولی هر کسی تمایل داشته باشد، می‌تواند از خدمات باشگاه استفاده کند.

شبیه سازهای شما هم همان قدر حرفه‌ای است؟

چهار تا شبیه‌ساز در سطح دنیا مورد استفاده است که ما هر چهار تا را در باشگاهمان داریم. یکی‌اش شبیه‌سازی ساخت کشور هلند است که شروع کارمان با همین بود. این شبیه‌ساز

تا امروز پیگیری کرده‌اید که از این شبیه سازها به صورت رسمی در حوزه آموزش رانندگی استفاده شود؟

ما با همین هدف «ریس موبیل» را به‌هم ماه بردیم تهران، ولی برداشت خودم از تلاش‌هایی که در این رابطه کردیم این است که هنوز راهنمایی و رانندگی نسبت به این قضیه گارد دارند. یعنی به محضی که می‌فهمند قرار است آموزش‌هایی در ستین نوجوانی به بچه‌ها ارائه شود، فوری عقب می‌نشینند. نگاهشان هم این است که قبل از ۱۸ سالگی نباید مزه رانندگی زیر زبان بچه‌ها بیاید. این در حالی است که در کشورهایی که آمار تصادفات خیلی پایین است، این ترس برای انتقال تجربه و آموزش در ستین پایین‌تر، کمتر است.

شما قبول ندارید که فضاهای شبیه ساز می‌تواند خطرناک‌تری را ایجاد کند؟

نه. حتی درباره سنین بالاتر هم این نگرانی را مطرح می‌کنند، در حالی که اتفاقاً به نظر من ما هر چقدر روی جوان‌ها کار کنیم که با این ورزش‌ها به صورت حرفه‌ای‌تر آشنا بشوند، به سلامت و امنیت روانی جامعه کمک کرده‌ایم. اگر شما یک بار پیست آمده باشید، می‌بینید که راننده‌های حرفه‌ای کسانی نیستند که توی خیابان امنیت مردم را به خطر بیندازند. چون رانندگی همیشه یک ریسک ۲۰ درصدی دارد. راننده حرفه‌ای هم این را درک می‌کند و حیزت آن را به ۴۰ درصد برساند. آن کسی که توی خیابان شلوغ بازی می‌کند و نظم ترافیکی را به هم می‌ریزد، اصلاً دید حرفه‌ای ندارد. ما هم یکی از اهدافمان این است که ریسک رانندگی را به کاربرهایمان بفهمانیم و بفهمند که این ریسک را کجا می‌توانند انجام بدهند. حالا ممکن است خیلی‌ها فکر کنند اگر ما رانندگی حرفه‌ای را آموزش بدهیم، شهر بر می‌شود از راننده‌های ویراژه، در حالی که این طور نیست. اگر آموزش رانندگی حرفه‌ای همراه با آموزش دید حرفه‌ای باشد، هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند.

ولی کمک‌اان تلاششان به نتیجه نرسیده؟

به صورت رسمی نه، ولی خودمان این ایده را در کنار کارمان حفظ کرده‌ایم. یعنی شاید بالای ۳۰، ۴۰ نفر گواهینامه‌دار تا الان پیش ما آمده‌اند که از رانندگی ترس دارند. خوب ما با بررسی

«ریس موبیل» در آق قلا

تیم «ریس نت»

چطور از مناطق سیل‌زده سر در آوردند؟

سیل ابتدای سال که رخ داد، من فکر کردم که می‌شود «ریس موبیل» را منتقل کنیم به مناطق سیل‌زده. طرح «ایستگاه همدلی» از این ایده شکل گرفت. بعد هم ماشین را بردیم و یک هفته در مناطق سیل‌زده بودیم. البته قبل از این هم که برویم، قرار شد یک سری اقلام برای مردم همراهمان باشد. اول گفتند که اقلامی مثل آب معدنی و پتو با خودمان ببریم، ولی من اصرار کردم که اسباب بازی همراهمان باشد.

کدام منطقه رفتید؟

قرار بود برویم پلدختر. به همین نیت هم از مشهد رفتیم بیرون، ولی چون روزهای اول سیل در آنجا بود و مردم هنوز درگیری‌های خیلی شدیدی داشتند، با ارشد گلستان هماهنگ کردیم و رفتیم آق قلا.

در آق قلا چطور توانستید با مردم ارتباط بگیرید؟

اول رفتیم پیش رئیس ارشد آنجا. از آنجا هم ما را معرفی می‌کردند به مدارس مختلف. رفتیم داخل مدارس و آنجا شروع می‌کردیم آموزش دادن به بچه‌ها. بچه‌ها هم هر کدام زمانی حدود ۲۰ دقیقه تا نیم ساعت می‌توانستند با دستگاه‌ها بازی کنند. خیلی هم برای بچه‌ها جذاب بود.

با خورد مردم چطور بود؟

خیلی خوب بود. فقط ایرادی که کار ما داشت این بود که تعداد بچه‌های خیلی زیاد بود و دستگاه‌های ما کم بودند. یعنی فکر کنید ما هر جا که می‌رفتیم سه تا دستگاه داشتیم در مقابل هم. بچه‌ها هم بود که ما خیلی شرمند می‌شدیم. برای همین مجبور بودیم زمان کار را کم کنیم. از طرفی ولی این جور برنامه‌ها خیلی لازم است. چون فکر می‌کنم گزینه آخری که یک خانواده سیل‌زده قبل از تخلیه خانه به آن فکر می‌کند، برداشتن وسیله بچه‌هاست. فکر هم می‌کنم که این برنامه مقدمه خوبی است برای برنامه‌های جدی‌تر در مواقع بحران. حتی خودمان فکرش را کرده‌ایم که با مشارکت با جایی مثل شهرداری، یک اتوبوس را تجهیز کنیم برای این کار. این اتوبوس هم می‌تواند مناطق کمتر برخوردار شهر را پوشش دهد و هم در مواقع بحرانی مثل اتفاقات نوروز امسال به کمک شهرهای آسیب دیده برود.



گفت‌وگویی قدسی با کارگردان مستند «آسرار دریاچه»

سفر به افسانه‌های دریاچه تخت سلیمان

اصبا کریمی آ تخت سلیمان از مناطق باستانی و با اهمیت تاریخی ایران واقع در استان آذربایجان غربی است و در نسل‌های مختلف، افسانه و اسطوره‌های عجیب و شگفت‌انگیزی راجع به آن نقل شده می‌شود. ویژگی اصلی این منطقه، دریاچه اسرارآمیزی است که در میان این آرگ عظیم قرار گرفته و براساس افسانه‌هایی که راجع به آن به دهان به دهان می‌چرخد مدف گنج‌های حضرت سلیمان، گنجینه‌های حکومت‌های هخامنشی و ساسانی و سرشار از فرش‌های بزرگ است و حتی عده‌ای می‌گویند در زیر این دریاچه شهری مملو از فرش‌های رنگارنگ وجود دارد.

نکته جالب در مورد این دریاچه غیرقابل دسترس بودن به دلیل آفشته بودن به سم آرسنیک و عمق زیاد آن است. هرچه این دریاچه دسترس

♦ **آقای ایثاریان با توجه به افسانه‌هایی که درباره این منطقه و دریاچه وجود داشته و رسیدن به آن را هم تا حدودی غیرقابل دسترس کرده؛ شما چطور با این منطقه آشنا شدید و فکر ساخت مستندی درباره آن در ذهنتان ایجاد شد؟**

سال ۷۷ با یک تیم دانشجویی به یک سفر اردویی رفتم و برای نخستین بار با این منطقه روبه‌رو شدم و درباره آن مطالعه کردم. افسانه‌هایی که درباره این منطقه گفته می‌شود ذهن آسان را مشغول می‌کند که اینجا چه ماجراهایی را پشت سر گذاشته و طبیعاً داستان‌های زیادی درباره دریاچه و وجه تسمیه آن گفته می‌شد. طبیعتاً نخستین بار ایده ساخت این مستند آنجا به ذهنم رسید که با این امکانات و فناوری‌هایی که امروز به وجود آمده چطور تاکنون کسی به این منطقه دسترسی پیدا نکرده است. سال‌ها گذشت تا من فیلمساز شدم و آن ماجرا هم همچنان در ذهنم وجود داشت. بعدها شرایط ساخت فیلم برایم فراهم شد و توانستم برای تحقیقات و ساخت فیلم در محل دریاچه حضور پیدا کنیم.

♦ **چه زمانی پروژه را کلید زدید؟**

سال ۹۲ را در فازهای تحقیقاتی و پژوهشی شروع کردیم و سال ۹۴ هم طرح مورد تأیید معاونت علمی قرار گرفت و بهمن ماه همان سال هزینه‌ها پرداخت شده البته ما یک سال قبل را آغاز کرده بودیم و پس از آن هم عملیات فیلمبرداری شروع شد.

♦ **شما یک مستندساز هستید اما بخش اعظم این مستند بر پایه یک پژوهش علمی استوار است. درباره تیم تحقیقاتی این مستند بگویید. به‌دا من فیلمساز هستم و بدیهی است که بخش‌های**

سیماگرام... جبار آدین: نیروی صدا وسیما پای ماهواره تلف می‌شود

♦ **سیما و سینما:** یک منتقد سینما و تلویزیون معتقد است که تولید برنامه‌های ایرانی بر مبنای آثار خوب دنیا اشکالی ندارد، البته در صورتی که تبلیغ فرهنگ بیکانه در آن مشهود نباشد و کاملاً در خدمت فرهنگ ایرانی قرار بگیرد.جبار آدین در گفت‌وگو با ایسنا درباره کی‌برداری از برنامه‌های خارجی در تلویزیون ایران، بیان کرد: بهره‌گیری و استفاده درست از آثار شاخص و برجسته جهانی که در میان ملت‌های مختلف بازخورد درست اجتماعی داشته‌اند، می‌تواند با تکیه بر فرهنگ ایرانی و مدیریت نیروی خلاق، مفید واقع شود. همچنین به با آثاری در جهت خدمت به فرهنگ جامعه یا رسانه تبدیل شود اما این مسئله به معنی کی‌برداری و تقلید کور کورانه از آثار خارجی در عرصه‌های ادب، هنر و تولیدات سینمایی و تلویزیونی در ماهواره‌ها نیست به دلیل اینکه اغلب تولیدات ماهواره‌ها بر مبنای سیاست‌ها، اهداف اقتصادی و سیاسی دولت‌ها کنترل کننده و سازنده ماهواره‌ها شکل گرفته است.

وی ادامه داد: متأسفانه صدا وسیمای انحصاری و اسپانسری ایران به جای باز گذاشتن فضای ورود به خلاقیت برای هنرمندان حرفه‌ای و جوانان مستعد، بخشی از تیرهای خود را پای ماهواره‌های خارجی نشاند. تا بر مبنای برنامه آن‌ها سریال، مسابقات و سرگرمی‌ها را عیناً کپی و در تلویزیون ایران بازسازی کنند. این در حالی است که این مسئله

بزرگ‌ترین آسیبی است که رسانه مدعی فرهنگ و دانش می‌تواند به فرهنگ جامعه بزند.

این منتقد سینما و تلویزیون تصریح کرد: متأسفانه تلویزیون ما در حوزه مجموعه‌سازی، بسیاری از سریال‌های متوسط و بد را از نسخه‌های آمریکایی، ترکیه، عربی و هندی کی‌برداری می‌کند. همچنین در بخش تولید مسابقات هم به همین شکل است و تلویزیون فکر می‌کند اگر مسابقات خارجی را کی‌برداری کند و با هزینه اسپانسرهای وطنی و شرکت چهره‌ها و ستاره‌های تبلیغاتی سینما و تلویزیون، برنامه‌ها را بسازد هم می‌تواند به جامعه خدمت کند و هم آنتن خود را بر کند اما در اصل فقط آنتن خود را پر خواهد کرد. آدین در پاسخ به این پرسش که چرا برنامه‌سازان به سمت تولید برنامه‌های مشابه می‌روند، بیان کرد: این مسئله ابتدا به مدیریت صدا وسیما برمی‌گردد که در حد تخصص و به شیوه هنرمندانه و خلاقانه اعمال نمی‌شود. مدیران شبکه‌های مختلف هم که زیر مجموعه این سازمان قرار دارند بر مبنای رفقت و سیاست‌گرینشی می‌شوند که بر انتخاب عوامل برنامه‌ها، تولید برنامه و فیلم‌ها هم دخالت دارند. بر این اساس اگر در شبکه‌ای یک فیلم و سریال حتی کپی شده مورد توجه قرار بگیرد، بر مبنای مدیریت غلط، عوامل سازنده دیگر هم سعی می‌کنند این برنامه را مجدد در شبکه خود کپی کنند. وی تصریح کرد:این کپی‌کردن، هر نوع خلاقیت و نوآوری، به‌روی هنرمندان رامسودمی‌کند

بود تحت هیچ شرایطی آن را رها نکنیم که بتوانیم برگردیم. من در یکی از غارهای زیرآبی مشغول تصویربرداری بودم و زمانی که از عمق بالا می‌آمدیم باید در یک سری ایستگاه‌هایی که ویژه همسان سازی فشار هستند صبر می‌کردیم. همان زمان من به این فکر کردم اکنون که اینجا هستم چند پلان از این دیواره بگیرم و به همین دلیل طناب شات را رها کردم و همین موجب شد که در تاریکی مطلق نتوانستم طناب را پیدا کنم و گم شدم. مدت زمانی طول کشید تا توانستم طناب را پیدا کنم و به سطح بازگردم.

♦ **افسانه‌های حیرت‌انگیزی درباره دریاچه و گنجینه‌های فراوانی که در دل آن است، وجود دارد. رایج‌ترین این افسانه‌ها چیست؟ شما که موفق شدید به دریاچه ورود کنید شاهد چه چیزی بودید؟**

به قدری افسانه‌ها و اسطوره‌های زیادی درباره این دریاچه به صورت متکثر و متنوع وجود دارد که نمی‌توانم بگویم رایج‌ترین آن کدام است. اما به دلیل اهمیتی که این مکان در دوره‌های باستانی داشته در قدیم می‌گفتند مردم ندورات و گنج‌هایی را به آب می‌سپردند و بومیان به آن شهر فرش می‌گفتند و معتقد بودند که آنجا فرش‌های بزرگی وجود دارد، حتی از یکی از نگهبانان آن منطقه نقل است که جانور عجیبی را با چشم‌های درشت دیده است. از این داستان‌ها بسیار بود اما آنچه ما با چشم‌مان خود مشاهده کردیم یک سخت پوست دو سانتیمتری بود که خودش را با آب آرسنیک و سمی سازگار کرده بود و موفق شدیم از آن تصویربرداری کنیم. ما این تصاویر را به متخصصان دانشگاه تهران نشان دادیم و آن‌ها گفتند برای تشخیص آن باید از این جانور نمونه برداری شود. چیزی حدود هفت یا هشت بار برای پیدا کردن و نمونه برداری از آن در عمق ۳۲ متری غواصی کردیم اما متأسفانه نتوانستیم آن را پیدا کنیم و دسترسی به آن به دلیل چته بسیار کوچکش تجهیزاتی نیاز داشت که در اختیار ما نبود و به همان چند پلانی که توانستیم از این موجود عجیب بگیریم، بسنده کردیم.

♦ **با توجه به اینکه این مستند وجهه پژوهشی قوی و پشتوانه مستدل علمی دارد، اسپانسر داشتند یا مورد حمایت نهاد یا ارگان خاصی قرار گرفتند؟**

اساساً تولید این فیلم با حمایت معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری و دکتر سورنا ستاری انجام شد و تسهیلاتی را به صورت وام در اختیار من قرار دادند که فیلم را بسازیم و زمانی که پروژه به سرانجام رسید آن را در بخش جهانی بفروشیم و پسول را به معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری برگردانیم. ضمن اینکه حدود ۳۶۰ میلیون هم برای پروژه به سرانجام برسد، هزینه کردم. مؤسسه نشنال جئوگرافیک خیلی مایل بود که کار را بخرد اما به دلیل تحریم‌ها قضیه متوقف شد و آن‌ها گفتند که فعلاً باید صبر کنیم تا ببینیم چه پیش می‌آید. به نظر مهم است که کار دیده شود چرا که در عرصه بین‌المللی می‌تواند اتفاق بااهمیتی باشد که متخصصان دانشگاهی، فنی و فیلمسازی توانستند کاری تولید کنند که هم‌رده با تولیدات مجموعه‌های بزرگی مانند نشنال جئوگرافیک و بی بی سی است. امیدوارم شرایط فروش این اثر اتفاق بیفتد و ما هم منتظر آن هستیم.

♦ **ظاهراً در حین فیلمبرداری برای خودتان هم مشکلی پیش آمد.**

بله. زمانی که ما به داخل دریاچه می‌رفتم مسئول تیم یک طناب شات به دست ما داده و از ما خواسته

فکران زنگر

سیما و سینما

دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۸

۲۳ شعبان ۱۴۴۵ ۲۹ آوریل ۲۰۱۹ | **سال سی و دوم** | **شماره ۸۹۵۲** |

خبر

سینما «آفریقا» ی مشهد

پر تماشاگر ترین سینمای تک سالن ایران شد

سیما و سینما: سینما «آفریقا» در شهر مشهد از ابتدای سال ۹۸ تا امروز میزان ۶۶ هزار سینما دوست این شهر بوده است. به گزارش رسیده، سینما «آفریقا» یکی از بزرگ‌ترین سینماهای تک سالن ایران است که با وجود راهاندازی پردیس‌های متعدد در شهر مشهد، همچنان رونق خود را حفظ کرده است. از روزهای آغاز سال تا پنجم اردیبهشت ماه ۶۶ هزار نفر در این سینما فیلم دیده‌اند و فروش فیلم‌های این سینما ۵۲۰ میلیون تومان بوده است. این سینما نوروز امسال فیلم‌های سینمایی «هتری شیش و نیم»، «رحمان ۱۴۰۰»، «زندانی‌ها»، «هوی پیشونی سفید ۳»، ازآکران کرد و با توقف نمایش «رحمان ۱۴۰۰»،اکران «گراس ۲» در این سینما آغاز شده است. سینما «آفریقا» با ۸۷۰ صندلی متعلق به حوزه هنری است.

مصوبات جدید شورای صنفی نمایش

بلیت‌های نیم بها در رمضان ارائه می‌شود

سیما و سینما: غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش از ثبت قرارداد چهار فیلم سینمایی خبر داد.

غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره خروجی

جلسه (۸ اردیبهشت) ماه این شورا گفت: در جلسه امروز قرارداد فیلم سینمایی «بکس لاج» به کارگردانی محسن توکلی در گروه ایران بعد از فیلم سینمایی «گراس» ساخته مسعود اطیابی، فیلم سینمایی «بات» ساخته پگاه ارشی در گروه زندگی بعد از فیلم «چهار انگشت» به کارگردانی حامد محمدی، «به دنیا آمدن» ساخته محسن عبدالوهاب در گروه فرهنگ بعد از «پیشونی سفید ۲» ساخته سید جواد هاشمی و «داختر شیطان» ساخته قربان محمديور در گروه فرهنگ بعد از «به دنیا آمدن» ثبت شد. وی افزود: در این جلسه مقرر شد بهای بلیت‌های سینما در ایام ماه مبارک رمضان تا ساعت ۲۰ به صورت نیم بها و بعد از ساعت ۲۰ به صورت تمام بها باشد. دریاچه برای ارکان آثار سینمایی از اقطار تا طرح هم عنوان کرد: هر سینمایی براساس موقعیت جغرافیایی و ضوابط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند آثار سینمایی را در این ساعت‌ها به نمایش بگذارد.

وی در پایان درباره تعیین رئیس و سخنگوی جدید این شورا اظهار کرد: با توجه به اینکه یکی از صنوف نماینده خود را معرفی نکرده بود، این انتخاب صورت نگرفت.

«خندوانه» به میان سیل زدگان رفت

سیما و سینما: رامبد جوان و جناب خان و دیگر عوامل «خندوانه» برای ادای دین به مردم عزیز ایران به مناطق سیل‌زده سفر کردند. به نقل از روابط عمومی معاونت سیما، سیدعلی احمدی، تهیه کننده

برنامه «خندوانه» شبکه نسیم، حضور عوامل «خندوانه» در مناطق سیل‌زده را ادای دین این برنامه به مردم شریف ایران دانست و تصریح کرد: از روز گذشته با سفر به استان خوزستان در بین مردم سیل‌زده حاضر شدیم و قرار است در این سفر آیتهم‌های ویژه‌ای را با حضور مردم جان‌ده دیده ضبط کنیم تا از آن در ۱۵ برنامه «قاچ» استفاده شود. وی افزود: این ۱۵ قسمت بخشی از تعهد ۷۰ قسمت برنامه «قاچ» بود که قرار است مطابق با کنداکتور شبکه در نیمه اردیبهشت ماه امسال، در ماه مبارک رمضان پخش شود. این ۷۰ برنامه «قاچ» با مشارکت هلال احمر با هدف آگاهی بخشی درباره مخاطرات طبیعی مانند زلزله و سیل تولید شده است. تهیه کننده «خندوانه» با توجه به شعار سال، تشویق به تولید و مصرف تولیدات داخلی را از اولویت‌های ساخت سری جدید این برنامه برشمرد و گفت: در تولید برنامه‌های آینده «خندوانه» اهتمام ویژه‌ای به این هدف می‌شود و از حضور کار آفرینان موفق کشور نیز بیشتر استفاده خواهیم کرد.وی در پایان خاطر‌نشان کرد: بعد از ماه صفر فصل جدید «خندوانه» را روی آنتن شبکه نسیم خواهیم داشت که در اینجا جا دارد از همراهی مخاطبان عزیزمان تشکر کنیم و امیدوارم با حمایت‌های رسانه ملی شاهد رشد این برنامه در سال ۹۸ باشیم.

حضور فریبا متخصص در سریال رادیویی «سرور»

سیما و سینما: «سرور» بسا بازی فریبا متخصص هشتم اردیبهشت ساعت ۲۰:۳۰، روی آنتن رادیو نمایش رفت. به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی رادیو، نمایش «سرور» را لیدا

شیرمرد نوشته و در خلاصه داستان آن آمده است که یاسمین دختر سرور در دانشگاه قبول می‌شود، آن‌ها برای ثبت‌نام به رشت می‌روند. سرور تصمیم دارد موضوعی را به یاسمین بگوید اما فرصت پیدا نمی‌کند تا اینکه اتفاقی می‌افتد... در این نمایش بازیگرانی چون فریبا متخصص، صفا آقاچانی، شهین نجف‌زاده، امیر فرحان‌نیا، ناهید مسلمی، مروراید کریم‌پور، حمید رضا هدایتی، احمد لشتینی و تعداد دیگری از هنرمندان اداره کل هنرهای نمایشی رادیو به ایفای نقش پرداخته‌اند. «سرور» به تهیه کنندگی ژاله محمدعلی، کارگردانی مینو جبارزاده، صابرداری محمدرضا محتشمی هر شب ساعت ۲۰:۳۰ از رادیو نمایش پخش می‌شود.

اکران اولین فیلم جواد رضویان در عید فطر

سیما و سینما: امیرحسین حیدری از ارکان فیلم سینمایی «زهرمار» به کارگردانی سید جواد رضویان در عید سعید فطر خبر داد. به گزارش ایلنا امیردعامل شرکت سینمایی نمایش گستران و بخش کننده فیلم زهرمار گفت: بتازگی قرارداد ارکان و پخش فیلم سینمایی «زهرمار» ساخته سید جواد رضویان را نیز منعقد کردیم.وی ادامه داد: در حال برنامه‌ریزی هستیم تا با هماهنگی شورای صنفی ارکان، فیلم سینمایی «زهرمار» را به عنوان برنامه ویژه در عید سعید فطر ارکان کنیم. وی همچنین با اشاره به برنامه‌ریزی برای ارکان فیلم «جهان با من برقص» گفت: قرارداد ارکان فیلم «جهان با من برقص» به کارگردانی سروش صحت منعقد شده و زمان ارکان آن و برنامه‌ریزی برای نمایش این فیلم نیز بزودی اعلام می‌شود.

کلیدها

روزنوشته‌های علی محمد مؤدب

ساختن با ویران کردن؟

آن‌ها که اهل کاری هستند از کار نمی‌ترسند اما از ناهلان می‌ترسند. ترس نه از آن نوع ترسی که گمان کنید آدم از دشمن خویش دارد که این ترس بیشتر اضطراب است و نگرانی. هر کاری را به دو نفر بسپرند در شرف خراب شدن است و بسیاری از کارها همیشه به دو نفر سپرده شده است. بخصوص کارهایی که باید خیلی جدی گرفته شود. فرض کنید یکی به هزار بدبختی متولی کاری می‌شود و به آن کار می‌اندیشد و به آن کار سامانی می‌دهد و آن کار را به نتیجه می‌رساند. او به ولایت طبیعی الهی متولی و ولی کار شده است، اما «نفس» هم پر بیگار نیست، یکی دیگر هست که کار نفر اول را رصد و بررسی می‌کند و غلط می‌گیرد و درست وقتی که به جای خوبی رسید که احتمال تأثیر دارد همه بحران‌های درونی‌اش درباره آن کار را بروز می‌دهد و وارد میدان می‌شود!

این است که همیشه هر کاری حداقل دو مسئول جدی دارد. یکی کسی که متولی و ولی کار است و دومی کسی که مترصد و صاحب دغدغه درباره کار است. اولی می‌سازد و دومی ویران می‌کند!

بسیارند آدم‌هایی که روی کاغذ هیچ توانایی و دانش و مهارتی ندارند، اما دغدغه دارند. نه شاگردی تربیت کرده‌اند، نه محصولی ایجاد کرده‌اند و نه هیچ چیز دیگری، اما به حکم دغدغه‌مندی خود را ولی کار می‌دانند و به طبع کاری که دو متولی پیدا می‌کند به سامان نمی‌رسد، یعنی اگر هم برسد دومی، اولی را در لحظه شکستن ضربه فنی خواهد کرد. این است که نظام عالم بنا به قول فلاسفه یونانی دیالکتیک است و دیالکتیکی یعنی همین! اینکه یکی که کار می‌کند به همت آنکه کار نمی‌کند لنگ خواهد شد.

پس اینکه عالم کنساری نلنستنن را برمی‌گزینند و عاقبت راه اما از شوخی گذشته چه می‌شود کرد؟ راستش من که نمی‌دانم، اما گمان می‌کنم در عالم راهی باشد و

همه چیز بازی مسخره دیالکتیک نیست.

لا بد در دنیا عقلا نلنسته‌اند و تدبیری کرده‌اند که این همه کارها و فعالیت‌ها هستند که به طور طبیعی پیش می‌روند و ارزیابان و رصدگران هم توانشان را در خدمت پیشبرد و اصلاح آن‌ها قرار می‌دهند و نه در خدمت نابود کردن کلیت یک فرایند. یکی از چیزهایی که به طور جدی نیاز داریم یاد گرفتن است، یاد گرفتن از هر کسی که تجربه‌ای دارد. در دنیا ما اولین نبوده‌ایم و نیستیم. همین هندی‌ها در هزار و یکی مسئله پیش از ما کارهای مهمی کرده‌اند. می‌شود یاد گرفت، غرور و تکبر اگر بگذارد.

نشریات جهان

ایستگاه / امیر محمد سلطان پور

ادامه جنجال «مولر» و «ترامپ»

هفته‌نامه ویک به جواب مختلف گزارش اخیر مولر در مورد کارهای غیرقانونی احتمالی ترامپ پرداخته است. این نشریه در پرونده خود با عنوان «ظاهر شده» و طرح جلدی کاملاً مرتبط می‌گوید با وجود اینکه شاید اطلاعات اولیه از گزارش مولر شامل عدم دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری قبلی آمریکا بوده، اما در زمینه اطلاعات شخصی و نفوذ او در تحقیقات اخیر، اطلاعات جالبی را به خوانندگان خواهد داد. ویک همچنین در مقاله‌ای به ستایش از فرهنگ ازدواج پرداخته و می‌گوید ازدواج کردن حتی ارزش به دردرس افتادن از جوانب دیگر را دارد.

اقلیم علیه قطب

نشریه علمی ساینس نیوز که هر دو هفته یک بار به چاپ می‌رسد در گزارشی به وضعیت اضطراری برای «تندر»ها یا دشت‌های بی‌درخت پوشیده از گلستگ که بیشتر در مناطق قطبی دیده می‌شوند، پرداخته است. این مجله در پرونده خود با عنوان «تندرا در دردسر» می‌گوید: تغییرات آب و هوایی، گیاهان مخصوص مناطق قطبی را بشدت تحت تأثیر قرار داده است. ساینس نیوز در مقاله‌های دیگری از امکان احساس جاذبه زمین توسط انسان‌ها گفته و البته به دردرهای تازه قرص‌های ضد افسردگی نگاهی انداخته است.

تورم مدرن

هفته نامه اقتصادی بلومبرگ بیزینس ویک در تازه‌ترین شماره خود به شکل جدید تورم در جهان پرداخته است. این نشریه در پرونده خود با تیترا «آیا تورم مرده است؟» این تئوری را رد کرده و می‌گوید اتفاقاً در لحاظ اقتصادی، جهان شاهد شکل پیچیده‌تری از تورم است. این مجله همچنین در مقاله‌ای به شرکت خودروسازی چینی «بی‌وی دی» نگاهی انداخته است که در تلاش برای تبدیل کردن خود به بزرگ‌ترین تولیدکننده خودروهای الکتریکی در جهان است.

گزارش از شخص

وارث تاج و تخت «سارتر»

نگاهی به زندگی و اندیشه‌های «میشل فوکو» به بهانه انتشار کتاب «فوکو در ایران»

|| **ایستگاه** / مجید تربت زاده |

شهرت‌ش را در جهان مدیون افکار، اندیشه‌ها و شخصیت خیلی خاصش است. در ایران اما «میشل فوکو» بیشتر به خاطر سفری که در گرمای انقلاب اسلامی

به کشورمان می‌کند و همچنین نقد و نظرایش درباره انقلاب، معروف است. البته بهانه ما برای نوشتن از اندیشمند و فیلسوف فرانسوی هیچ‌کدام از این دو مورد نیست! این بار برگزاری نمایشگاه کتاب تهران سبب شد تا پس از مدت‌ها، نام «فوکو» در فضای رسانه‌ای، سر زبان‌ها بیفتد. یک ناشر اعلام کرد، کتاب «فوکو در ایران» با همه‌ها و اگر‌ها سراسرچام منتشر شد و خودش را به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رساند.

وارث «سارتر»

ایسن را هم بگوییم که نه «گزارش از شخص»، نه ضاعت علمی و فلسفی‌سا و نه حوصله روزنامه‌خوان‌ها، هیچ‌کدام به اندازه‌ای نیست که بشود در این صفحه به نقد و بررسی افکار و اندیشه‌های «فوکو» پرداخت. به جز این‌ها گستره اندیشه‌ها و نوشته‌های «فوکو» و تنوع موضوعات و زمینه‌هایی که او به آن‌ها پرداخته، آن قدر زیاد است که آدم می‌ماند با یک فیلسوف طرف است یا تاریخدان؟ یک جامعه‌شناس یا یک نظریه‌پرداز؟

خانم «آن مالاپار» و جراح معروف و پولدار فرانسوی «پل فوکو» در سال ۱۹۲۶ صاحب پسری شدند که بعدها به جای اینکه وارث شغل و ثروت پدری‌اش بشود به قول طرفداران و علاقه‌مندان‌ش، وارث تاج و تخت فلسفی و فکری پادشاه فیلسوفان معاصر یعنی «ژان پل سارتر» شد! «فوکو» در دانشگاه سوربن فلسفه خواند و لیسانس گرفت. بعد برای مدت کوتاهی عضو حزب کمونیست فرانسه شد، اما دو سه سال بعد از آن حزب کنار کشید و به جایش روان‌شناسی خواند و در زمینه آسیب‌شناسی روانی تحقیق و مطالعه کرد و مدرک گرفت. چند سال در دانشگاه‌های سوئد، لهستان و آلمان به تدریس پرداخت. نه نوشتن رساله‌ای در زمینه جنون از دانشگاه هامبورگ مدرک دکتریش را گرفت، سال ۱۹۶۴ استاد فلسفه دانشگاه کرمون در فرانسه شد و بعد از آن در برترین

مؤسسه دانشگاهی فرانسه، صاحب کرسی شد و «تاریخ نظام‌های فکری» را تدریس کرد. تدریس در دانشگاه ایالتی نیویورک، دانشگاه کالیفرنیا و برکلی را هم می‌شود به سوابقش اضافه کرد.

نقاب‌ها

حتی نمی‌شود خیلی ساده، ردّ موفقیت‌ها و شهرت‌ش را گرفت و زندگینامه و شرح فعالیت‌های فکری‌اش را نوشت! واقعیت این است که تعداد منتقدان و مخالفان‌ش، دست کمی از علاقه‌مندان به افکار و اندیشه‌هایش ندارند. «فوکو» همان قدر که از نگاه برخی وارث «سارتر» است، از نگاه برخی دیگر، اندیشمندی است که «دمدمی مزاج» بود، بازرترین ویژگی فکری و شخصیتی‌اش به شمار می‌رود. در جوانی از آن کمونیست‌های دو آتشه و تمجیدگر استالین است، اما چند سال بعد حزب کمونیست فرانسه را به دلیل اینکه چشمانش را به روی کارها و افکار «فوکو» بسته و آن‌ها را جدی به حساب نمی‌آورد به یاد انتقاد شدید می‌گیرد. در دوره‌ای منتقد و رقیب سرسخت «سارتر» است، اما چندی بعد در کنار او دیده می‌شود و در راهیمایی‌های مختلف همراه با «سارتر» شرکت می‌کند. گاهی چچگرایان فرانسوی او را سرسبرده اردوگاه راست می‌دانند و چند سال بعد، راستگراها از «فوکو» به خاطر تمایلات چپگرانه‌اش انتقاد می‌کنند. یکی از استادانش به نام «ژرژ دومزیل» درباره او می‌گوید: «فوکو نقاب بر چهره داشت و همیشه هم این نقاب‌ها را عوض می‌کرد». نویسنده فرانسوی «دیدیه اریبون» اما نظری کاملاً متفاوت از ایسن درباره «فوکو» دارد و معتقد است زندگی و افکار او چیزی فراتر از نقاب عوض کردن‌های بی‌دربی است. این درست که ما در بررسی زندگی و افکار او با صدها و بلکه هزاران «فوکو» روبه‌رو می‌شویم، اما دلیل همه نقاب‌ها و فوکوهای متفاوت، صراحت و شجارتی است که «فوکو» در دوره‌های مختلف زندگی در بیان افکار و یافته‌هایش دارد و می‌تواند شجاعانه علیه فرضیه‌ها و نظریه‌های چند سال قبل خود و دیگران حرف بزند.

همه را بیرون کرد

درباره‌اش به شوخی و جدی گفته‌اند: «فوکو آن قدر شجاع بود که انسان و علم را از حوزه

«فوکو» را «فرزند ناخلف ساختگرایی» در فرهنگ بوچ انگار غرب می‌دانند. خیلی ساده و کلی اگر

بگوییم آثار «فوکو» به سه بخش تقسیم می‌شوند. بخشی از آثار او با تأثیرپذیری از اصول هرمنوتیک (تأویل متن) و با الهام از «هایدگر» نوشته شده است. بخش دوم کارهای «فوکو» باستان‌شناسی یا دیرینه‌شناسی معرفت است که کتاب معروفش «نظم اشیا» از آن جمله است. بخش سوم آثار «فوکو» هم در واقع آثار تبارشناسانه اوست که در آن‌ها به بررسی رابطه گفتمان و معرفت از یک طرف و قدرت از طرف دیگر می‌پردازد. در بخش سوم کارهایش نیز تأثیرپذیری از افکار «نیچه» به وضوح دیده می‌شود.

۱۷ شهرویر

اما برویم سراغ آنچه «فوکو» را برای نخستین بار

به ایرانی‌های اهل کتاب و حتی کتاب‌خوان شناساند. او درست در اوج روزهای انقلاب اسلامی با به ایران گذاشت. اگرچه خیلی‌ها تلاش کرده‌اند بگویند سفر او به ایران نه فقط به خاطر علاقه‌اش به انقلاب و شخصیت امام(ره) بلکه فقط به

عنوان یک روزنامه‌نگار بوده است، اما واقعیت این است که او پیش از سفر فرانسه، سعی به ارتباط با انقلابیون ایرانی داشته است. برخی‌ها می‌گویند که او حتی از حضور او در نوفل لوشاتو و دیدار با امام نوشته‌اند، اما سند و مدرکی از این دیدارهای احتمالی در دست نیست. در سال

۱۹۷۷ سردبیر روزنامه ایتالیایی «کوریهره دلاسر» از «فوکو» خواسته بود تا برایش یک ستون ثابت بنویسد، ولی «فوکو» تمایلی به نوشتن مقاله‌های فلسفی

یا فرهنگی برای این ستون نداشت. به جای آن پیشنهاد کرده بود که نوعی گزارش از سررحنه انقلاب و از زمینه‌های فکری و نوشتاری «فوکو» مسئله جنسیت بود. البته می‌شود در تشریح افکار او در این زمینه، مثل خیلی از طرفدارانش، هزار جور توجیه علمی و فلسفی نوشت، اما ظرفیت «گزارش از شخص» در همین اندازه است که بنویسیم «فوکو» همجنس‌گرا به حساب می‌آمد و البته اهل پنهان کردن این خلق‌و‌خو و تمایلاتش هم نبود و در این زمینه نقاب به صورت نمی‌زد. فیلسوف سرشناس فرانسوی عمری طولانی نداشت و در سال ۱۹۸۴ در گذشت. کتاب «فیلسوفان بدرکار» اثر ملگ زودهنگام او را ابتدا به بیماری «ایدز» می‌دند و معتقد است آقای فیلسوف پیش از مرگ چه بسا ده‌ها نفر را به این بیماری مبتلا کرده باشد!



پاکستان / قسمت ۱۴ پایانی

سفرنوشث



اهل بسنت دوستدار اهل بیت هستند و خانه بزرگی در شهرکی بیرون راولپندی دارند. چای که هیچ، فالوده خاصی که با شیر و توت فرنگی درست شده هم می‌خوریم. در حال انفجاریم. اما مگر پاکستانی‌های میهمان‌نواز می‌گذارند؟ به سعید می‌گویم کمی خودمان را تکان دهیم شاید غذاها پایین برود! سرتراجم ساعت ۱۳ نیمه شب برمی‌گردیم. از راولپندی «کریم» می‌گیریم – اسنپ – پاکستانی‌ها – و مسیر چهار کیلومتری را با ۵۰ تومان می‌اییم. ماشین یک سوزوکی کوچک است. از اینکه از این همه میهمانی‌ها و غذاها جان سالم در برده‌ایم، خدا را شکر می‌کنیم و بین راه تصاویر میهمان نوازی و محبت پاکستانی‌ها از ذهنمان عبور می‌کند. فردا باید لاهور باشیم و به سمت ایران بیاییم. تا برگشت اتفاق قلیل ذکر نمی‌افتد. جز چند پلان تصویربرداری باقی مانده و کمی استراحت و رفتن به فرودگاه درهم و برهم، شلوغ و بی‌نظم لاهور. فرودگاه علامه اقبال لاهوری پاکستان را با خاطراتی شیرین ترک می‌کنیم. خاطراتی که در آن حتی به یک نقطه تارک، یک برخورد غریب‌فروستانه و یک لحظه بدون لبت برمی‌خوریم. سفر ما به طور اتفاقی با سفر نخست وزیر پاکستان همراه شد و اهمیت سفرهای این گونه را بیشتر نشان داد. شنیدیم بزودی صدور ویزای توریستی پاکستان تسهیل خواهد شد. این سفرنامه را که خواندید، فقط به اندازه شلیک تیپاچه ابتدای مسابقه دوومیدانی ارزش داشت. باید خودتان بروید و بیشتر ببینید...

روز میهمان بازی

محمد مهدی خالقی: امروز آخرین روز سفر است و روز میهمان بازی.

ظهر میهمان «صاحب زاده احمد علی» یکی از متولیان بارگاه سلطان باهو هستیم. جلسه‌ای همراه با تشکر و تقدیر و خداحافظی ورد و بدل کردن چند کلمه فارسی و اردو و خوردن غذایی بسیار خوشمزه و تند و تیز! نقشه دوشان را آن موقع که غذا می‌خوریم متوجه نمی‌شویم و آلا خوردیم. از ساعت ۱۳ ظهر که بیرون می‌اییم تا شب که برمی‌گردیم، پنج وعده دیگر میهمان دوشان مختلف پاکستانی هستیم و همه جا پذیرایی با شیرینی، سمبوسه، دود پتی، گورماست، نوشابه و ...

عصر به «راولپندی» شهری شلوغ و درهم و برهم نزدیک اسلام‌آباد می‌رویم و به بازار مشهورش. بازاری قدیمی و بسیار شلوغ که حتی راه برای عبور نفر پیاده به سختی پیدا می‌شود. بازاری که هیچ قانون خاصی برای ورود وسایل نقلیه ندارد. از کامیون تا اتوبوس و ریکشا و دوچرخه به همه جای بازار سرمی‌کشند. قیمت‌های اینجا اگرچه مناسب‌تر از اسلام‌آباد است، اما گرانی کالا در پاکستان در همین بازار هم چشمگیر است. قرار است بعد از نماز مغرب و عشا به جشن شب نیمه شعبان برویم. جشن بلتی‌های مقیم اسلام‌آباد. بلتی به معنی شیعیان منطقه کوهستانی بلستان در شمال پاکستان که از نظر شور و علاقه به انقلاب اسلامی مثل کشمیری‌ها هستند و منطقه‌شان جایی است که روستاهایی با ارتفاع بیشتر از ۵۰۰۰، ۶۰۰۰ و ۷۰۰۰ متری دارد و یکی از بام‌های دنیاست. ما به انتهای جشن می‌رسیم و تا تمرکز کنیم جلسه تمام می‌شود و سفره شام را می‌اندازند. غذاهای خانگی خوشمزه همراه با صدای فشفشه‌ها و آتش بازی که از بیرون می‌آید! در خانه میزبان قفسه کوچکی به دیوار نصب است و در آن چند کتاب وجود دارد. بین کتاب‌ها از امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب اسلامی هم کتاب می‌بینم. وقتی بیرون می‌اییم فکر می‌کنیم قرار است برگردیم، اما مادر یکی از دوستان خواسته ایرانی‌های همسایه امام رضاع) به عنوان تبرک به خانه‌اش بروند و فقط چای بخورند. به خانه‌شان می‌رویم. صوفی‌های

اسلامی را بنویسد. او بار اول درست چند روز پس از واقعه ۱۷ شهریور به ایران رسید.

من می‌دانم...

نقطه نظراتش درباره انقلاب اسلامی هم درست مثل افکار و نظریه‌های مختلفش، همه را غافلگیر کرد. روشنفکران غربی، بخصوص فرانسوی‌ها انتظار نداشتند «فوکو» چنین نگاه مثبتی به انقلاب یک کشور غیر اروپایی داشته باشد و در نوشته‌هایش برخلاف افکار و اندیشه‌های برگرفته از «ایسم» ریز و درشت غربی، حرف بزند و روشن و واضح بگوید برخلاف مارکسیسم معتقد است دین و مذهب تنها عواملی هستند که نه تنها سبب تخدیر ملت‌ها نمی‌شوند، بلکه می‌توانند بهترین عامل برای خیزش و انقلاب‌های روشنگرانه باشند.

شاید همین صراحت «فوکو» سبب می‌شود، جریان‌های سیاسی و روشنفکری فرانسه پس از بازگشت از ایران تا مدت‌ها او را تحریم کنند و به قول برخی‌ها فیلسوفشان را بکشند.

«فوکو» در نوشته‌هایش از انقلاب ایران، فرهنگ اسلامی را روبه‌روی فرهنگ غرب قرار داده و از آن تمجید کرده بود. این گشاهی ناخوشدونی به حساب می‌آمد که می‌گفت: «من می‌دانم که تمام فرانسوی‌ها مخالف من خواهند ماند، ولی این را هم می‌دانم که امام خمینی و انقلاب جمهوری اسلامی ایران تنها پیروز آینده دنیا است و غرب با آن‌همه سازمان‌های رصد کننده در اشتباه بزرگی است.» جالب اینکه برخلاف خیلی از افکار دیگرش که بعدها علیه آن‌ها حرف می‌زند، تا پایان عمر از ایده و نظرش درباره انقلاب اسلامی دست نمی‌کشد.

مرگ زودهنگام

یکی از زمینه‌های فکری و نوشتاری «فوکو» مسئله جنسیت بود. البته می‌شود در تشریح افکار او در این زمینه، مثل خیلی از طرفدارانش، هزار جور توجیه علمی و فلسفی نوشت، اما ظرفیت «گزارش از شخص» در همین اندازه است که بنویسیم «فوکو» همجنس‌گرا به حساب می‌آمد و البته اهل پنهان کردن این خلق‌و‌خو و تمایلاتش هم نبود و در این زمینه نقاب به صورت نمی‌زد. فیلسوف سرشناس فرانسوی عمری طولانی نداشت و در سال ۱۹۸۴ در گذشت. کتاب «فیلسوفان بدرکار» اثر ملگ زودهنگام او را ابتدا به بیماری «ایدز» می‌دند و معتقد است آقای فیلسوف پیش از مرگ چه بسا ده‌ها نفر را به این بیماری مبتلا کرده باشد!

نه + طنز

جو جو و حراست دانشگاه!

م.ظرافتی: توییترهای می‌گویند «سیدگی و برخورد با تخلفات دانشجویان در فضای مجازی» به اصلاحات آیین‌نامه انضباطی دانشجویان اضافه شده است. حالا وزارت علوم فلک‌زده از آن طرف به پیر و پیمبریم قسم می‌خورد که قضیه از بیخ و بن شایعه است. اما کاربران فضای مجازی گیر داده‌اند که: «تغییر خیلی هم شایعه نیست!» تازه مدارکی هم رو کرده‌اند که در برخی دانشگاه‌ها سیستم ورود و خروج دانشجویان برقرار شده و ساعت ورود و خروج به علاوه غیبت‌ها را به والدین اطلاع می‌دهند! ولی گذشته از این حرف‌ها شک لحظه تصورش را بکنید که حراست جلوی دانشجویی با یک خرمن ریشی که تازه باب شده را بگیرد و ببرد چرا آی دی اینستاگرامت را گذاشته‌ای «جوجوی تنها!» اصلاً گذشته از اینکه «جوجوی تنها» نام مناسبی برای دانشجوی ملکت نیست. اگر من جای جوجو باشم از عمق نفوذ حراست دانشگاه در فضای مجازی کف می‌برد چون پدرم هم آی دی اینستاگرامم را ندارد. البته مأمورهای حراست دانشگاه (بعضی هیاشان) بی‌سیم را که از مراجع ذی‌ربط تحویل می‌گیرند دیگر خدا را بنده نیستند و استادان دانشگاه را هم «سوزه» می‌بینند، چه برسد به اینکه اجازه نفوذ در اینستاگرام دانشجو را هم پیدا کنند! آن‌وقت شک نکنید که در حال فشار دادن مچ دست دانشجو (طوری که انگار خفاش شب را دستگیر کرده‌اند) چشم‌ها را باریک کرده و با لحن شرلوک هولمز می‌پرسند چرا «ساسی مانکن» را فالو کرده‌ای؟ بعد هم تا همان‌جا «ساسی مانکن» را آنفالو نکرده مچ دستش را راه‌ها نکرده و دائم تهدید می‌کنند که حرف اضافی بزنی ستاره دارت می‌کنم!

باز خوبی‌اش این استت تا اینجا کار ماچرا با یک تغییر آی دی و آنفالو کردن حل می‌شود ولی شما فکر کنید دانشجو با ۲۵ سال سن کلاس را می‌پیچاند که با رفاقا برود صفا، اما دانشگاه با پدر دانشجوهای غایب تماس می‌گیرد که فردا تشریف بیاورند و غیبت جوجو جان را موجه کنند. حالا کی می‌تواند خیل عظیم خرمن‌های ریشی که دست پدر را گرفته و پشت در حراست ایستاده‌اند، تصور کند؟!

خلاصه اینکه امیدواریم تمام این قضایا شایعه باشد، چون من یکی در مخیله‌ام نمی‌گنجد شخصی به اسم جوجو با آن همه ریش، پدر داشته باشد چه برسد به اینکه دستش را هم بگیرد و بیاید دانشگاه!

جدول ۷۵۲۰

افقی

۱. کافی‌شاپ قدما - از چاشنی‌ها - غذای بیمار ۲. کلام بی‌برده - سفیدموی شاهنامه- ناشی و ناپلذ ۳. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی- دانه میوه- مساوی ۴. بیماری پوسنی با علائمی چون تورم پوست و سرخ شدن آن و بروز ناول‌های ریز- موخشک‌کن برقی- بسیار گریه‌کننده ۵. مقاصد- «کارت» درهم شکسته- زن نوמיד ۶ عمیق- از انبیای الهی(ع) که در قرن هفتم پیش از میلاد می‌زیسته- منت گزارنده ۷. سودای ناله- دعا‌های زیرلب- رفقا و دوستان ۸ الیازی سخت و مقاوم از آهن- مقر حسن صباح و پیروانش ۹. دستگاه- شاعر یونان باستان و سراینده «نسب‌نامه خدایان»- دشنام دادن ۱۰. نوعی نان فرانسوی- یگای واحد جرم اتمی- جواب مثبت ۱۱. گیاه خورشتی- نام قدیم پیلند - گلدسته

۱۲. مادر باران - پلک برگردانید

- گشایش ۱۳. همه - طبل زنده- به درستی ۱۴. نام قدیم آبادان- گیاه فیلگوش - کتف و شانه ۱۵. نصف- پیمودن- عده ای از سواره نظام

عمودی

۱. مسلخ - چندین برهان ۲. مزاحمت اینترنتی- کفش چوبی و از صنایع دستی ایرانیان- مجازی ۳. رها- تندیس و مجسمه- برادرپدر ۴. شکست‌خوردگی لشکر- کتاب مقدس زرتشتیان- پزشکی ۵. نوعی سنگ سخت - اقبال و نیکیختی- راهرو سروپشیده بین دو خانه ۶ نوعی آچار- به دردبخور و سودمند- بهجت ۷. سندآوردن- نام دخترانه فرنگی ۸ نفس خسته- از ادات تردید- نام دخترانه وطنی- خسی اندک ۹. وجود مطلق هستی‌بخش در اوستا - انجم

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

منظور نظر، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم یا ما تماس بگیریم